

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء(س)
سال چهاردهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۶، پیاپی ۳۵

DOI: 10.22051/tqh.2017.12958.1432

واکاوی تواتر اجمالی و گستره دلالت آن

سید ابوالقاسم حسینی زیدی^۱

محمدابراهیم روشن ضمیر^۲

دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۱۶

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۱۱

چکیده

از آن جا که تواتر روایات یکی از راه‌های اطمینان به صدور آن‌هاست، عالمان دانش درایه، پژوهش‌های دراز دامنی درباره آن انجام داده‌اند اما درباره یکی از گونه‌های نوپیدای آن با عنوان «تواتر اجمالی» تعریف جامع و مانعی ارائه نشده است. از عبارات آنان، سه تعریف برای تواتر اجمالی قابل استفاده است: الف) روایات متعددی که نه در مدلول مطابقی بلکه در مدلول تضمینی یا التزامی با هم مطابقت دارند. ب) علم اجمالی به صدور برخی از روایاتی که دارای مضمون واحد نیستند. ج) روایات زیادی که در لفظ و معنی با

۱. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد مقدس (دکترای مدرسی معارف اسلامی) (نویسنده مسئول)

Abolghasem.6558@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد مقدس (دکترای علوم قرآنی و حدیث)

roushan1344@yahoo.com

هم اختلاف دارند و دلالت آن‌ها هم از جهت وسعت و ضیق متفاوت است اما علم اجمالی داریم که برخی از این روایات از معصوم صادر شده است و آن روایت اخص است. برخی از ایرادهای این تعریف‌ها عبارتند از: الف) روشن نبودن وجه تمایز آن با تواتر معنوی؛ ب) تردید در حصول علم به صدور یک روایت نامعین؛ ج) بی‌اثر بودن علم اجمالی به صدور یک روایت نامعین؛ د) بی‌فائده بودن تواتر اجمالی با توجه به اثبات قدر متیقن به دلایل دیگری مانند سیره عقلاء، حدیث صحیح محفوظ به قرائن و...، افزون بر این، بنابر دیدگاه آخوند خراسانی درباره تواتر اجمالی که مقتضای آن را اعتبار روایتی می‌داند که از باقی احادیث در مضمون اخص باشد؛ اگر خبری با این ویژگی وجود داشته باشد که مضمون آن اعتبار خبر ثقه به طور مطلق است، حجیت قول ثقه، ثابت می‌گردد؛ اما وجود چنین خبری تنها صرف فرض است.

واژه‌های کلیدی: تواتر؛ تواتر اجمالی؛ قدر متیقن؛ قدر مشترک؛

اعتبار روایت.

مقدمه

سنت در کنار قرآن و پس از آن، مهم‌ترین سرچشمه شناخت دین، کارآمدترین ابزار تبیین آن و شامل‌ترین منبع دریافت آموزه‌های اسلامی است. هر چند نشانه‌هایی از تردید در حجیت سنت یا انکار آن در طول تاریخ اسلام به طور پراکنده دیده می‌شود؛ اما بیشتر نزدیک به تمام مسلمانان در حجیت آن تردیدی نداشته و ندارند و جالب این‌که همه نویسندگان و فرقه‌های اسلامی تلاش می‌کنند اصل حجیت سنت پیامبر (ص) را نزد مسلمانان مسلم‌انگاشته و تنها برخی از فرقه‌ها - به پندار آنان به ظاهر مسلمان و در واقع کافر - را به باور نداشتن به حجیت سنت متهم نمایند. (ر.ک: ابوزهو، ۱۳۷۸، ص ۲۰؛ فوزی عبدالمطلب، ۱۴۰۰، مقدمه، ص ۴؛ عجاج خطیب، ۱۴۰۸، ص ۲)

اما بدون تردید، درباره درستی روایاتی که سنت را برای ما گزارش می کنند بحث های فراوانی میان حدیث پژوهان فریقین در سه محور اعتبار، صدور و فهم آنها در جریان بوده و هست.

روشن است که قبل از هر چیز، باید به اثبات صدور این روایات از معصوم پرداخت و آن گاه از سایر جنبه های حدیث هم چون اعتبار و تفسیر سخن گفت؛ لذا چگونگی اثبات صدور روایات از معصومان مهم ترین چالش پیش روی حدیث پژوهان است.

در میان پژوهشگران مسلمان تردیدی نیست که عده ای در ساختن، پرداختن و پراکندن حدیث، به انگیزه های گوناگون، کوشیده اند. بر پایه حدیثی از امام علی (ع)، وضع و جعل در عهد پیامبر آغاز شد؛ (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۰؛ کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۶۲) طبق حدیث مذکور، در زمان پیامبر، به آن حضرت روایات دروغین نسبت می دادند، تا آن جا که پیامبر به خطابه ایستاد و به مردم هشدار داد که نسبت دهندگان دروغ به او بسیار شده اند و بدانند که جایگاهشان دوزخ خواهد بود. سپس امیر مؤمنان (ع) افزود که این رفتار ناشایست، پس از آن حضرت نیز گسترش یافت. عالمان اهل سنت این نقل را با طرق بسیار گزارش کرده و حتی بر تواتر آن تأکید کرده اند و نشان داده اند که این نقل بارهای بار بوده است. (ر.ک: مهدوی راد، ج ۱۲، ص ۷۵۶-۷۷۳)

امامان (ع) در روایات متعددی نسبت به جریان جعل و وضع هشدار داده و با شیوه های گوناگون کوشیده اند تا امت اسلامی را در این جهت بیگانهانند. امام صادق (ع) نسبت به فراوانی دروغ بستن بر حضرت علی (ع) هشدار می دهد (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۱۹) و از کسانی هم چون مغیره بن سعید و ابوالخطاب که بر امام باقر (ع) دروغ می بسته اند (کشی، ص ۲۲۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۱۸) و این که او چگونه روایات جعلی را با تزویر و حيله در کتاب های اصحاب وارد می کرده است، یاد می کند! (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۲۹۰)

امام رضا (ع) از فردی به نام بنان نام می برد که بر امام سجاده (ع) دروغ می بسته است (کشی، ص ۳۰۲) و در روایتی دیگر، شیوه مخالفان در جعل روایات و اهداف آنان را بر ملا می کند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۶، ص ۲۳۶) همین گونه، امام باقر (ع) نسبت به توطئه های

دشمنان در نسبت دادن برخی کارهای مبالغه آمیز به اهل بیت (ع) دست به افشاگری می‌زند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۱۸)

عالمان حدیث پژوه مکتب اهل بیت (ع) برای اطمینان از صدور روایات و بازشناسی روایات استوار و درست از روایات برساخته، به گسترش دانش درایه و رجال روی آوردند و با دقت و وسواس سند روایات را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دادند هر چند آنان با پیروی از آموزه‌های مکتب اهل بیت (ع)، به بررسی سندی بسنده نکرده و به تبیین معیارهایی برای بازشناسی سره از ناسره پرداختند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۵۰)

از آن‌جا که تواتر روایات یکی از راه‌های اطمینان به صدور آن‌هاست عالمان دانش درایه و محدثان، بحث‌های دراز دامنی درباره تعریف تواتر، گونه‌ها، شرایط تحقق آن و نتایج و پیامدهای آن انجام داده‌اند. اما به رغم این مباحث گسترده، اصطلاح جدیدی با عنوان «تواتر اجمالی» در میان متأخران از اصولیان و به تبع آنان در میان درایه‌نگاران رواج پیدا کرده است که کم‌تر درباره آن سخن گفته شده است و با وجود برخی مطالب، هم‌چنان دچار ابهام و اجمال است که همین امر موجب بدفهمی و کاربرد نابجای آن را فراهم کرده است.

به گونه‌ای که در سال‌های اخیر، برخی نویسندگان مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها، هرگاه با دسته‌ای از روایات، بویژه روایات اعتقادی و اخلاقی روبرو می‌شوند که نه دارای شرایط تواتر لفظی و معنوی هستند و نه با قرائن اطمینان آور همراه هستند و حتی از شرایط حجیت خبر واحد هم برخوردار نیستند، ادعای تواتر اجمالی آنها را مطرح می‌کنند.

از شیوه استدلال آنان چنین بر می‌آید گویا همین قدر که در باره دسته‌ای از روایات بگوییم بعید است یکی از آنها از معصوم صادر نشده باشد برای اثبات تواتر اجمالی همه آن روایات کفایت می‌کند! بنابراین شایسته است این اصطلاح به طور دقیق تعریف شده شرایط تحقق آن و پیامدهای آن برنمایانده شود تا روشن شود آنچه امروزه به نام تواتر اجمالی شناخته می‌شود چه تفاوتی با سایر گونه‌های تواتر دارد و از چه جایگاهی برخوردار است.

۱. متواتر در لغت و اصطلاح

ریشه این واژه از «وتر»، به معنای تنها و یگانه است (ابن قتیبه، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۳۲۱) و در معنای نقص^۱ هم به کار رفته است. (طریحی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۴۶۲) تواتر، در لغت، به معنای به دنبال هم آمدن چند چیز (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۸۴۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۵۱۱) و پی یکدیگر با مهلت و فاصله آمدن می باشد. (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۷۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۸۴) چنان که در قرآن به همین معنا به کار رفته است (ر.ک: زهیر، بی تا، ج ۳، ص ۱۰۲): «ثُمَّ أَرْسَلْنَا زُلَيْفًا نَتْرًا» (مؤمنون، ۴۴)

در علم درایه الحدیث^۲، قبل از ذکر نمودن تقسیمات متنوع در مورد احادیث، روایت را - به لحاظ شمار راویان در هر طبقه - به متواتر و آحاد تقسیم می نمایند. (ر.ک: صدر، بی تا، ج ۱، ص ۹۷؛ سبحانی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۱) درباره خبر متواتر، چند تعریف بیان شده است:

تعریف اول: «خبر گروهی که به تنهایی موجب مفید علم (قطع) به درستی آن شود». (عاملی، بی تا، ص ۱۸۳؛ شیخ بهایی، ۱۳۹۰، ص ۴؛ صدر، بی تا، ص ۹۷) ایراد این تعریف این است که به اصطلاح "غیر مطرّد" است، یعنی شامل مواردی می شود که متواتر نیستند و کسی آن‌ها را متواتر نمی داند مانند این که سه نفر از حادثه‌ای خبر دهند و از گفته آنان علم به درستی آن خبر حاصل شود؛ بنا بر این تعریف، لازم می آید خبرهایی از این دست نیز متواتر باشند در حالی که بدیهی است این قسم، متواتر نیست.

تعریف دوم: «خبری که توسط افراد زیادی نقل شده که معمولاً هماهنگی و اتفاق آنان بر دروغ ممکن نیست» (شهید ثانی، ۱۴۰۸، ص ۵۹؛ قاسمی، ۱۴۰۷، ص ۱۵۱؛ عجاج خطیب، ۱۴۰۹، ص ۳۰۱؛ صبحی صالح، ۱۳۹۱، ص ۱۴۶؛ عتر، ۱۴۱۸، ص ۴۰۴؛ مدیر شانه چی، ۱۳۸۴، ص ۳۲) اشکال این تعریف این است که علم به نبود هماهنگی خبردهندگان بر دروغگویی یا نبود علم به هماهنگی آنان، دلیل بر راستی خبر نیست زیرا

۱. در آیه شریفه «وَلَنْ يَرْزُقَكُمْ اللَّهُ» (محمد، ۳۵) به همین معنا آمده است.

۲. خطیب بغدادی در الکفایه، برای نخستین بار اصطلاح متواتر را به عنوان قسم خبر آحاد به عنوان یکی از مصطلحات علم الحدیث مطرح نمود. (خطیب بغدادی، ۱۳۹۰، ص ۳۲)

دروغ‌گویی دارای انگیزه‌ها و اسباب دیگری مانند دوستی و دشمنی (حب و بغض) نیز می‌باشد... (سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۲۶)

تعریف سوّم: (تعریف گزیده) با توجه به ایراد تعریف دوّم، آیه الله سبحانی پیشنهاد می‌کند به تعریف پیشین، این قید افزوده شود: «با فراوانی خبردهندگان و قابل اعتماد بودن آنان یا نبود انگیزه دروغ‌گویی و یا غیر آن، اطمینان به راستی خبر احراز می‌شود» (سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۲۶). از آنجا که شواهد فراوان تاریخی و واقعیت‌های موجود نشان از آن دارد که صرف فراوانی خبردهندگان نمی‌تواند باعث بوجود آمدن اطمینان لازم از درستی و راستی خبر باشد؛ افزودن این قید در تعریف تواتر ضروری است.

۲. شروط تواتر

شروط تواتر به دو قسم تقسیم می‌شود: شروط تحقق متواتر (مقدمات تواتر) و شروط حصول علم از متواتر؛ قسم اوّل یعنی شروط تحقق تواتر عبارتند از:

۱) فراوانی خبردهندگان به اندازه‌ای باشد که توافق آن‌ها بر دروغ امکان نداشته باشد.^۱ (سید مرتضی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۸۴؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۴۹؛ شیخ بهایی، ۱۳۹۰، ص ۴؛ و نیز ر.ک: بروجردی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۵۰).

۲) نحقق تواتر در تمام طبقات (شهید ثانی، ۱۴۰۸، ص ۱۲؛ ابن صلاح شهرزوری، ۱۴۰۶، ص ۲۶۷؛ خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۱۳؛ مظفر، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۶۲)؛

۳) مستند بودن خبر به حس؛

۴) مستند بودن خبر به علم؛ (سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۳۱). بعضی از اصولیان گفته‌اند عادل بودن راویان در حدیث متواتر لازم نیست (سید مرتضی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۳۱۱)؛

۱. آیه الله سبحانی این قید را کافی نمی‌داند بلکه افزون بر این باید این افراد دارای انگیزه واحد و منافع مشترک نباشند. (سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۳۱) برخی پیروی نکردن همه مخبران از مذهب معین، اختلاف مخبران از نظر نسب و انتساب نداشتن همه آن‌ها به یک شهر را هم در زمره شرایط حصول تواتر آورده‌اند (ر.ک: محقق حلی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۳۹؛ حائری اصفهانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۶۸) که البته وجود این شرایط به نحوی ارشاد بر عدم ارتباط راویان حدیث با همدیگر می‌باشد و این احتمال که امکان دارد انگیزه مشترکی برای انتساب دروغ در آن زمینه وجود داشته باشد را ضعیف می‌گرداند و لذا سبب می‌گردد تا تواتر سریع‌تر محقق شود. (هاشمی شاهرودی، بی تا، ج ۴، ص ۳۳۳)

خمینی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۱۹؛ ر.ک: صدر، بی تا، ص ۱۰۱؛ قاسمی، ۱۴۰۷، ص ۱۵۱؛ صبحی صالح، ۱۳۹۱، ص ۱۵۰.

شرائطی همچون اطلاع نداشتن شنونده از مضمون خبر و نداشتن اعتقاد به کذب و یا رد مضمون خبر، جزو شروط حصول علم از تواتر شمرده شده اند. (تبریزی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۲۸۸؛ مدیر شانه چی، ۱۳۸۴؛ سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۳۲)

۳. گونه‌های تواتر

بیشتر اصولیان و درایه نگاران پیشین، متواتر را به دو نوع لفظی و معنوی تقسیم نموده‌اند اما برخی از پسینان، متواتر را به تفصیلی (لفظی و معنوی) و اجمالی تقسیم کرده‌اند (ر.ک: منتظری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۸۷؛ سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۳۶) و برخی آن را دارای سه قسم لفظی، معنوی و اجمالی دانسته‌اند. این اصطلاح در کتب اصولی و حدیثی اهل سنت به کار نرفته است (ر.ک: قاسمی، ۱۴۰۷، ص ۱۵۱؛ عتر، ۱۴۱۸، ص ۴۰۵).

۳-۱. تواتر لفظی

خبری است که همه ناقلین، مضمون آن را به یک لفظ نقل کرده باشند. (مدیر شانه چی، ۱۳۸۴؛ ر.ک: مامقانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۶۲) به عبارت دیگر، در تواتر لفظی، خبرهای متعدد در مدلول مطابقی اشتراک دارند (صدر، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۴۳).
برخی بر این باورند که متواتر لفظی یا اصلاً وجود ندارد و یا بسیار کم است (ابن صلاح شهرزوری، ۱۴۰۶، ص ۱۶۲؛ صبحی صالح، ۱۳۹۱، ص ۱۴۸؛ شهید ثانی، ۱۴۰۸، ص ۶۶). در برابر، کسانی بر این پندارند که روایات متواتر لفظی زیادند^۱ (ابن حجر العسقلانی، ۱۴۳۲، ص ۴۱).

۱. شهید ثانی در کتاب «الرعايه» از این ادعای ابن حجر تعجب کرده، می‌گوید: ادعای غریبی است. (شهید ثانی، ۱۴۰۸، ص ۶۶) برخی از صاحب نظران، خواسته‌اند میان این دو نظریه (سلب و ایجاب) جمع کنند؛ از جمله دکتر عتر می‌نویسد: «مقصود ابن صلاح که منکر وجود حدیث متواتر است، تواتر لفظی است و مقصود ابن حجر که مدعی وجود آن است، تواتر معنوی است» (عتر، ۱۴۱۸، ص ۴۰۷)

در برابر این دو دیدگاه، نظریه اعتدالی مرحوم صدر قرار دارد که عقیده دارد گفته ابن صلاح افراط، و گفتار ابن حجر و سیوطی، تفریط است و مذهب حق آن است که اجمالاً در میان عامه و خاصه، روایاتی وجود دارد که متواتر لفظی هستند، مانند: حدیث غدیر خم و حدیث منزلت در میان خاصه، و حدیث من کذب ... که در میان عامه و خاصه متواتر لفظی است. (صدر، بی تا، ص ۱۰۰)

۲-۳. متواتر معنوی

این گونه تواتر که گاه در منابع متقدم، از آن با اصطلاح «تواتر الإشارة» یاد شده است، (پاکتچی، ۱۳۷۲، ج ۱۶، مقاله شماره ۶۱۴۲) آن است که مورد تواتر قدر مشترک چند خبر باشد و به عبارت دیگر مضمون چند حدیث یکی، ولی قالب الفاظ آن‌ها متفاوت باشد. (سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۳۵؛ مدیر شانه چی، ۱۳۸۴، ص ۳۷) بنابراین، تواتر لفظی و معنوی یک چیز را بیان می‌کنند اما در تواتر لفظی الفاظ یکی است و در معنوی الفاظ متعدد هستند. در بیشتر مواردی که ادعای تواتر شده است الفاظ روایت متفاوت می‌باشد ولی وقتی به مفاهیم تضمینی یا التزامی آن‌ها توجه شود، یک مفهوم و مدلول مشترک را بدست می‌دهد. (عاملی، بی تا، ص ۱۸۶؛ صدر، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۴۱)

نمونه‌های متواتر معنوی زیاد است، مانند اخبار زیادی با کلمات متفاوت در مورد شرکت امام علی (ع) در سرایا و غزوات که مضمون همه آن‌ها بطور متواتر بر شجاعت آن حضرت دلالت می‌نماید. (ر.ک: محقق حلی، ۱۴۰۳، ص ۱۴۰) روایات مربوط به ظهور امام زمام (ع)،^۱ اخبار در مورد اصول شریعت (مانند وجوب نمازهای یومیه و تعداد رکعت‌های آن و اصل وجوب زکات و حج) نیز همین گونه‌اند. (شهید ثانی، ۱۴۰۸، ص ۶۶)

روایات متواتر معنوی گاهی با دلالت تضمینی و گاهی با دلالت التزامی بر یک مفهوم دلالت می‌کند. (رحمانی، ۱۳۷۶، شماره ۵، ص ۱۴۸)

۱. ر.ک: طوسی، محمد بن حسن، الغیبه؛ کورانی، علی، معجم أحادیث الإمام المهدي؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱ و ۵۲.

۳-۳. تواتر اجمالی

برخی این اصطلاح را از نوآوری‌های آخوند خراسانی دانسته و بیان داشته‌اند اثری از آن در کتاب‌های درایه به چشم نمی‌خورد. (جزایری، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۴۲۳؛ حلی، ۱۴۳۲، ج ۶، ص ۴۵۲) آخوند این اصطلاح را در کتاب کفایه الاصول و حاشیه فرائد الاصول به کار برده و برای اثبات حجیت خبر واحد به آن استدلال کرده، می‌نویسد:

«بر استدلال به این روایات بر حجیت خبر واحد اشکال شده است که این روایات خبر واحد می‌باشند و تواتر لفظی یا معنوی ندارند زیرا اتفاق بر یک لفظ یا معنی ندارند ولی این اشکال دفع می‌شود به این که این اخبار اگرچه تواتر لفظی یا معنوی ندارند لکن تواتر اجمالی دارند لذا استدلال به این روایات، استدلال به خبر واحد نیست بلکه استدلال به خبر متواتر می‌باشد». (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۳۰۲؛ همان، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۴۷)

ایشان در مبحث قاعده لاضرر هم با استدلال به احادیثی که در مورد اثبات این قاعده وارد شده است می‌آورد: «از این روایات تعبیر به اخبار متواتر شده است اگرچه در یک لفظ و یک معنی اتفاق ندارند؛ ظاهراً مرادشان تواتر اجمالی می‌باشد به این معنا که به صدور برخی از آن‌ها قطع داریم و این ادعا به نظر ما نیز صحیح می‌باشد» (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۳۸۰)

هر چند به نظر مشهور، آخوند خراسانی برای اولین بار این اصطلاح را به کار برده و پس از ایشان، این اصطلاح به کتاب‌های درایه راه یافته است؛ اما به نظر می‌رسد شیخ انصاری به این مفهوم توجه داشته است آنگاه که درباره ادعای تواتر صاحب وسائل نسبت به روایات حجیت خبر واحد می‌گوید: «قدر متیقن از این روایات، خبر ثقه ای است که احتمال دروغ بودن آن آنقدر کم است که عقلاً به این احتمال اعتنا نمی‌کنند و توقف در آن را به خاطر این احتمال زشت می‌شمارند...» (انصاری، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۰۹)

۳-۳-۱. تعریف تواتر اجمالی

پیش تعریف تواتر اجمالی، یادکرد این نکته ضروری است کسانی که تواتر اجمالی را قبول دارند تعریف جامع و مانعی از آن ارائه نکرده‌اند اما از برخی عبارات و نیز

چگونگی استدلال آنان به تواتر اجمالی، تا حدودی می‌توان دریافت که آنان چه تلقی از تواتر اجمالی داشته‌اند اگرچه عبارات آنان از آشفتگی عجیبی رنج می‌برد.

۳-۱-۳-۱. هماهنگی در مدلول تضمینی و التزامی

تواتر اجمالی عبارتست از: «روایات متعددی که نه در مدلول مطابقی بلکه در مدلول تضمینی یا التزامی با هم مطابقت دارند» (المعجم الاصولی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۸۵) از آنجا که در همه این روایات قدر جامعی وجود دارد که این روایات از آن خبر می‌دهند، آن را متواتر اجمالی نامیده‌اند.^۱ (حسینی فیروزآبادی، ۱۴۰۰، ج ۳، ص ۱۹۴)

۳-۱-۳-۲. علم به صدور یک روایت نامعین

«علم به صدور برخی از مجموعه روایاتی که دارای مضمون واحد نیستند» (مصباح الاصول، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۹۳؛ المعجم الاصولی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۸۶؛ ایروانی ۲۰۰۷، ج ۲، ص ۳۷) به این معنا که روایات بگونه‌ای هستند که به واسطه اثبات صدق یکی از آنها به طور نامشخص، علم اجمالی حاصل می‌گردد؛ و لذا یقین در تواتر اجمالی به واسطه حساب احتمالات حاصل می‌گردد، بر خلاف آنچه که مشهور گمان می‌کنند.

به عنوان نمونه، اگر در میان روایات یکی از کتب حدیثی در مورد وجود صد حدیث دروغ، علم اجمالی داشته باشیم و بطور اتفاقی صد حدیث را از باب‌های مختلف آن کتاب جدا کنیم، این احتمال که تمام آن صد حدیث دروغ باشند، بسیار ضعیف است؛ در طرف مقابل، احتمال صحیح بودن یکی از آن روایات، خیلی زیاد است، بگونه‌ای که بتوان ادعای حصول اطمینان در مورد صحت یکی از این صد روایت را مطرح نمود؛ همین مطلب سبب تحقق تواتر اجمالی می‌گردد. (ر.ک: صدر، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۴۰)

۱. می‌توان گفت: همه کسانی که برگشت تواتر اجمالی را به تواتر معنوی می‌دانند همین تعریف را از تواتر اجمالی

دارند. (ر.ک: مدیر شانه چی، ۱۳۸۴، ص ۳۷)

۳-۳-۱-۳. اختلاف در لفظ و معنا و هماهنگی در قدر مشترک

تواتر اجمالی عبارتست از روایات زیادی که در لفظ و معنی با هم اختلاف دارند و دلالت آن‌ها هم از جهت وسعت و ضیق متفاوت است اما علم اجمالی داریم که برخی از این الفاظ از معصوم صادر شده است. (مشکینی اردبیلی، ۱۴۱۳، ص ۱۴۲) به عبارت دیگر اگر خبرهای متعدد از نظر عموم و خصوص اختلاف داشته باشند، قدر مشترک و قدر متیقن از مجموع خبرهای «مختلف الدلالة» متواتر اجمالی می‌باشد؛ (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۰۲؛ همان، ۱۴۱۰، ص ۷۰ و نیز ر.ک: بحرانی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۸۵) مانند آن که اگر روایتی در مورد اعتبار خبر مؤمن و روایت دیگری در مورد اعتبار اخبار شخص ثقه و روایت سوّمی درباره معتبر بودن خبر عادل وارد شده باشد، از مجموع این سه حدیث، یقین به حجیت اخبار عادل حاصل می‌گردد. (خوئی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۹۲؛ و نیز ر.ک: حسینی فیروزآبادی، ۱۴۰۰، ج ۳، ص ۱۹۵؛ جلالی مازندرانی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۷۳)

بنابراین، وجه تمایز تواتر اجمالی با تواتر معنوی روشن است؛ در تواتر معنوی خبرهای متعدد در دلالت تضمینی یا التزامی اشتراک دارند اما بر پایه این تعریف از تواتر اجمالی، خبرها در هیچ کدام از این دو قسم دلالت اشتراک ندارند هر چند در برخی لوازم دارای اشتراک هستند اما از آن جا که این لازم، جزو لوازم بعیده هستند به حد دلالت التزامی نمی‌رسد.

به عنوان نمونه، از آن جا که خبرهای متعدد درباره دیدن هلال اوّل ماه در زمان‌های متفاوت، در دلالت تضمینی (دیدن هلال) اشتراک دارند و خبرهای فراوان از حضور حضرت علی (ع) در جنگ‌ها، در لازمه آن که شجاعت آن حضرت باشد با هم اشتراک دارند، متواتر معنوی هستند؛ اما در روایات متعددی که درباره خبر واحد رسیده در هیچ یک از دلالت‌های سه گانه اشتراک ندارند هر کدام در دلالت خود با دیگری متفاوت است:

الف) دسته‌ای از این روایات، بعضی از اصحاب را به بعض دیگر ارجاع می‌دهد (حر

عاملی، بی تا، ج ۲۷، ص ۱۴۲)

- ب) دسته‌ای دیگر بر واجب بودن مراجعه به راویان دلالت می‌کند (حر عاملی، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۱۴۳)
- ج) دسته سوّمی تشویق به نوشتن و رساندن آن به دیگران می‌کند (حر عاملی، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۸۱)
- د) دسته چهارمی در مذمت دروغ بستن به امامان است (حر عاملی، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۲۴۹)
- ه) دسته پنجمی در بیان مرجحاتی است که در مورد تعارض ادله وارد شده است (حر عاملی، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۱۰۶)؛ حال اگر خبر واجد حجت نبود دیگر جایی برای ارجاع اصحاب به یکدیگر، تشویق به نوشتن، نگرانی از دروغ بستن، فرض تعارض و ذکر مرجحات وجود نداشت.
- بنابراین همه این روایات در قدر متیقن (دلالت اخص) که عبارت از خبر فقیه ثقه امامی باشد اشتراک دارند؛ به نظر می‌رسد همین تعریف منظور آخوند خراسانی بوده است.^۱ (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۰۲)
- برخی از محققان هم به گونه‌ای از تواتر اجمالی سخن گفته‌اند که مشخص نیست کدام تعریف مورد نظر آنان بوده است بخشی از مطالب آنان به یک تعریف و بخشی به تعریف دیگری اشاره دارد. (ر.ک: مکارم شیرازی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۴؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۳۳۹).

۳-۲-۳. شرایط تحقق تواتر اجمالی

تمام شرائطی که پیش از این از آن‌ها با عنوان شرائط تحقق تواتر و شرائط حصول علم از تواتر نام بردیم، در تواتر اجمالی نیز معتبر است.

۱. «إلا إنه يشكل الاستدلال بها على حجیة أخبار الأحاد يأنها أخبار آحاد، فإنها غير متفقة على لفظ ولا على معنى فتكون متواترة لفظاً أو معنى؛ و لكنه مندفع يأنها و إن كانت كذلك إلا إنها متواترة إجمالاً ضرورة إنه يعلم إجمالاً بصدور بعضها منهم و قضيته و إن كان حجیة خبر دلّ على حجیة أخصها مضموناً إلا إنه يتعدى عنه فيما إذا كان بينها ما كان بهذه الخصوصية و قد دلّ على حجیة ما كان أعم، فافهم» (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۰۲)

۳-۳-۳. بررسی و نقد تواتر اجمالی

۱) اگر منظور از تواتر اجمالی اشتراک و اتفاق نظر خبرها در دلالت تضمینی یا التزامی است (تعریف اول)، این سوال پیش می‌آید که چه تفاوتی با تواتر معنوی دارد؟ تفاوت تواتر معنوی با تواتر لفظی در همین نکته نهفته است که در تواتر لفظی، روایات در مدلول مطابقی اشتراک دارند و در تواتر معنوی در مدلول تضمینی یا التزامی اشتراک دارند؛ مانند این که اگر تعداد زیادی از افراد ادعای دیدن هلال اول ماه را داشته باشند اما در زمان دیدن آن با هم اختلاف داشته باشند.

از آن جا که این افراد در بخشی از مدعای خود (دیدن ماه) با هم دلالت توافق دارند اگرچه در بخش دیگر آن (زمان دیدن) با هم اختلاف نظر دارند تواتر معنوی محقق شده است. یا اگر در دلالت تضمینی هم اتفاق نداشته باشند اما در دلالت التزامی با هم اشتراک نظر داشته باشند باز هم تواتر معنوی محقق شده است مانند خبرهای زیادی که درباره حضور حضرت امیر (ع) در جنگ‌ها گزارش شده است که این گزارش‌ها نه در دلالت مطابقی و نه در دلالت تضمینی با هم هماهنگی ندارند (گزارش‌ها درباره حادثه‌های جداگانه است)؛ اما در دلالت التزامی یعنی شجاعت آن حضرت با هم اشتراک دارند. بنابراین اشتراک خبرهای متعدد در بخشی از دلالت یا در قدر متیقن (قدر مشترک) از شرائط تحقق تواتر معنوی است.^۱

به نظر می‌رسد آن دسته از عالمان دانش مصطلح الحدیث که از تواتر اجمالی نام نبرده‌اند^۲ یا آن دسته از آنان و نیز اصولیانی که تواتر را منحصر در تواتر لفظی و معنوی دانسته و بازگشت تواتر اجمالی را به تواتر معنوی می‌دانند (مدیر شانه چی، ۱۳۸۴، ص ۳۷) و

۱. یادکرد این نکته ضروری است که در صورتی دلالت تضمینی یا التزامی مفید خواهد بود که مفاد هر خبر، مفاد و مدلول خبر دیگر را نفی نکند؛ برای نمونه اگر گروهی مدعی دیدن ماه شوند اما در برخی اوصاف با هم اختلاف داشته باشند به عنوان نمونه عده‌ای ادعا کنند هلال رو به بالا بوده و عده‌ای دیگر آن را رو به پایین توصیف کنند، نمی‌توان گفت آنان در دلالت تضمینی (دیدن ماه) با هم اتفاق نظر دارند!

۲. در نگاه‌های درایه الحدیثی پیشین اثری از تواتر اجمالی نیست و برخی از درایه نگاران معاصر هم چون سید حسن صدر، عبدالهادی الفضلی و ... تواتر را منحصر در تواتر لفظی و معنوی دانسته‌اند. (صدر، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۷؛ ر.ک: فضلی، بی‌تا، ص ۷۱)

در نتیجه وجود تواتر اجمالی را انکار کرده‌اند، به این تعریف از تواتر اجمالی نظر داشته‌اند. مرحوم نائینی،^۱ (نائینی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۱۱۳) علامه طباطبایی (طباطبائی، بی تا، ج ۲، ص ۲۳۷) و برخی دیگر از اصولیان (جزایری، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۴۹۷ و ج ۴، ص ۴۲۴) از این جمله‌اند.

۲) اگر تعریف دوم را برای تواتر اجمالی در نظر بگیریم یعنی علم اجمالی به درستی و صدور یک روایت از مجموعه‌ای از روایات که با هم در هیچیک از انواع دلالات سه گانه اشتراک ندارند،^۲ مانند این که اجمالاً می‌دانیم همه روایات کتابی مانند وسائل الشیعه یا یکی از ابواب آن نمی‌تواند دروغ باشد، دست کم برای ما علم حاصل می‌شود که یک یا چند روایت آن از امام صادر شده است - این تعریف دارای چهار ایراد و اشکال است:

الف) این که از فراوانی مجموعه‌ای از روایات که هیچ گونه اشتراکی با هم ندارد، علم به صدور یک روایت از معصوم حاصل شود جای تردید جدی دارد زیرا اگر به هر یک از احادیث به تنهایی نظر بیندازیم، امکان درستی و دروغ در هر یک از آن روایات وجود دارد بویژه با توجه به این که این روایات هیچ ارتباطی به هم ندارند؛ (نائینی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۱۱۳) هر چند بعید است همه آن روایات دروغ باشد اما این احتمال مادام که به حد قطع یا دست کم اطمینان نرسد فائده‌ای ندارد.

در پاسخ به این ایراد گفته شده است: احتمال وارد شدن صدق و کذب در هر روایت به تنهایی، هیچ تعارض و منافاتی با علم اجمالی به صادر شدن بعضی یا یکی از آن احادیث ندارد و گرنه باید تواتر لفظی و معنوی را هم منکر شد چرا که اگر مناط و ملاک را توجه

۱. «لا یخفی أن الأخبار إذا بلغت من الكثرة ما بلغت فإن كان بينها جامع يكون الكل متفقاً على نقله فهو راجع إلى التواتر المعنوی وإلا فلا وجه لحصول القطع بصدق واحد منها بعد جواز كذب كل واحد منها في حد نفسه و عدم إرتباط بعضه ببعض فالحق هو إنحصار التواتر في القسمین الأولین لا غیر».

۲. امکان دارد که در لوازم بعیده که از آن‌ها به «لازم غیر بین» یا «بین به معنی الأعم» تعبیر می‌شود، اشتراک داشته باشند مانند این که همه این گزارش‌ها، مربوط به احکام شرعی هستند و یا ... اما روشن است که اشتراک در این لوازم به معنای اشتراک در دلالت التزامی نیست زیرا آن‌گاه دلالت التزامی محقق خواهد شد که لازم آن «بین بمعنی الأخص» باشد. (ر.ک: مظفر، ۱۳۸۸، ص ۴۰)

به هر روایت بطور مستقل بدانیم، امکان صدق و کذب در آن هم راه می‌یابد به این معنا که در مورد این دو قسم از تواتر هم یقین به صادر شدن تک تک احادیث وجود ندارد و امکان صدق و کذب هر یک از آن‌ها مطرح است. (ر.ک: جواهری، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۱۷۹؛ واعظ‌الحسینی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۹۳؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۱۸۵؛ روحانی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۵۵)

اما روشن است که مقایسه تواتر اجمالی با تواتر لفظی و معنوی به هیچ وجه درست نیست زیرا درست است که در تواتر لفظی و معنوی نیز امکان صدق و کذب هر روایت به تنهایی وجود دارد اما از آنجا که در یکی از انواع دلالت‌های سه‌گانه با هم اشتراک دارند، فراوانی این روایت‌ها موجب تقویت آن وجه اشتراک می‌شود اما در این تعریف از تواتر اجمالی، هر چند روایت‌ها متعدد هستند اما هیچ ارتباطی به هم ندارند و در نتیجه فراوانی آن‌ها هیچ‌گونه هم‌افزایی ایجاد نمی‌کند.

ب) بر فرض این که علم به صدور یک یا چند روایت از معصوم حاصل شود اما نمی‌توان بر آن عنوان تواتر نهاد؛ درست مانند این که از خبر واحد محفوف به قرینه ممکن است علم به درستی روایتی حاصل شود اما روشن است که نمی‌توان بر آن نام تواتر نهاد.

ج) اگر در اندک مواردی هم علم اجمالی به صدور یک روایت از معصوم حاصل شود در بیشتر موارد، از فراوانی روایاتی که هیچ وجه اشتراکی ندارند علم به صدور دست کم یک روایت پیدا نمی‌شود بلکه در بسیاری از موارد بویژه در مواردی که احتمال جعل و وضع می‌رود مانند روایات «من بلغ»، از صرف احتمال فراتر نمی‌رود.

د) بر فرض این که از میان ده‌ها، صدها و هزاران روایت، علم به صدور یک روایت از معصوم پیدا شود، علم اجمالی به صدور یک روایت که نه اصل آن مشخص است و نه محتوای آن تعیین شده و نه از میزان دلالت آن خبر داریم، چه اثری می‌تواند داشته باشد؟ اگرچه علم اجمالی موجب احتیاط می‌شود اما آن‌چه از سیره عقلا بدست می‌آید این است که برای وجوب احتیاط، اطمینان تفصیلی لازم است و اطمینان اجمالی کفایت نمی‌کند.^۱

۱. مرحوم ایروانی در این زمینه می‌آوردند: «نعم یبقی شیء و هو انه بعد حصول الاطمئنان بصدق واحد من الاخبار المائة العشوائیه فهل یكون هذا الاطمئنان حجة حتى یجب بسببه الاحتیاط او لا؟ والجواب: ان مدرک حجیه الاطمئنان

۳) تعريف سوّم هم داراى ايراد است كه برخى از آن‌ها عبارتند از:

الف) بر پايه اين تعريف نيز تفاوت ماهوى بين تواتر اجمالى با تواتر معنوى وجود ندارد همان‌طور كه در تواتر معنوى وجه اشتراكى بين روايت‌ها وجود دارد در اين تعريف از تواتر اجمالى هم بين روايت‌هاى متعدد وجه اشتراك وجود دارد. البته قرار دادن عنوان جديد (تواتر اجمالى) براى اين قسم كه وجه اشتراك با گونه‌اى تحليل از مجموع روايات برداشت مى‌شود، ايرادى ندارد.

ب) از آن‌جا كه در تواتر اجمالى (بر پايه تعريف سوّم) بايد به مفاد اخص اين روايات (به روايتى كه واجد همه خصوصيات باشد) عمل كرد وجود يا عدم وجود تواتر چندان مفيد فائده نيست چه اين كه نوعاً ترديدى در دلالت اخص وجود ندارد. در تمامى موارد ادعايى بر طبق توضيحاتى كه داده شده است بايد به قدر متيقن و قدر مشترك تمامى روايات عمل نمود كه در تمام موارد، قدر متيقن از روايات به واسطه دليل ديگرى مانند سيره عقلاء، حديث صحيح محفوظ به قرائن و ... قابل اثبات است.

براى نمونه در بحث حجيت خبر واحد - كه ظاهرترين و بارزترين مورد در تواتر اجمالى است - ادعاى تواتر اجمالى شده است؛ (آخوند خراسانى، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۰۲؛ عراقى، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۳۶؛ روحانى، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۲۹۴) قدر متيقن و قدر مشترك از تمام اين روايات آن است كه اگر خبر واحد را رواى شيعه فقيه عادل بدون واسطه نقل كند معتبر و حجت خواهد بود؛ (واعظ الحسينى، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۹۴)

اما در مورد حجيت اين خبر نيازى به تواتر اجمالى نداريم بلكه سيره عقلاء براى حجيت چنين خبرى (با تمام شرايط) كفايت خواهد كرد (رك: خمينى، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۱۱) يا آن‌كه به زعم برخى با وجود تواتر اجمالى بايد احتياط كرد كه بدون وجود

هو السيرة العقلانية، فان العقلاء جرت سيرتهم على الاخذ بالاطمئنان و اذا رجعنا الى العقلاء فلا نجزم بجريان سيرتهم على الاخذ بالاطمئنان الاجمالي - اى الاطمئنان بصدور واحد غير معين من الاخبار - بل القدر المتيقن جريان سيرتهم على التمسك بالاطمئنان التفصيلى اى الاطمئنان بصدور خبر معين خاص؛ و معه فلا يكون التواتر الاجمالي مجدداً (ايروانى، ۲۰۰۷، ج ۲، ص ۳۷)

تواتر اجمالی هم، احتیاط کردن معلوم و روشن است و باز هم حاجتی به اثبات تواتر اجمالی نخواهد بود. (ایروانی، ۲۰۰۷، ج ۲، ص ۳۹)

یا در مورد قاعده «لا ضرر^۱» هم ادعای تواتر اجمالی شده است. (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۶۶؛ أنصاری، ۱۴۱۴، ص ۱۱۲؛ بجنوردی، بی تا، ج ۱، ص ۲۵۱؛ محقق داماد، ۱۴۰۶، ص ۱۳۶؛ ذهنی تهرانی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۵۷) و با تتبع در موارد عدیده اطمینان پیدا می شود که این حدیث شریف از پیامبر اکرم وارد شده است.^۲

بر فرض قبول تواتر اجمالی^۳ در این روایت باید به قدر متیقن از ضرر داشتن عمل گردد که قدر مشترک از ضرر داشتن جایی است که از نظر عقل و عرف برای تمام افراد (ضرر نوعی) در احکام کلی و لزومیه،^۴ ضرر مورد نظر اثبات شده باشد. این مقدار از دلالت برای قاعده لا ضرر، نیازی به اثبات تواتر اجمالی ندارد بلکه سیره تمامی عقلاء بر آن است در جایی که ضرر نوعی از نظر عقل و عرف در احکام لزومیه برای تمام افراد وجود داشته باشد، قطعاً چنین ضرری را شارع جعل نکرده و راضی به آن نمی باشد.

یادکرد این نکته ضروری است که آخوند خراسانی مطلبی را در ادامه بحث تواتر اجمالی آورده است که نوعاً از آن غفلت شده است و جای بررسی دارد؛ وی می نویسد: مقتضای تواتر اجمالی، اعتبار روایتی است که از باقی احادیث در مضمون اخص باشد (روایت فقیه امامی ثقه بدون واسطه)؛ حال اگر خبر یا اخباری با این ویژگی و خصوصیت وجود داشته باشد که دلالت بر اعتبار خبر ثقه به طور مطلق کند، حجیت قول ثقه به طور مطلق، ثابت می گردد. (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۰۲)

۱. بر پایه داستان سمره بن جندب است که در ذیل آن، جمله «لا ضرر و لا ضرار» دیده می شود. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵،

ص ۲۸۱؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۰۳؛ شیخ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۱۴۷)

۲. باید دانست روایات دیگری نیز از ائمه اطهار نقل شده اند که هرچند در آن ها جمله فوق الذکر نیامده است ولی

روایت از نظر معنا و مدلول بر آن استوار است. (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۲۹۳)

۳. برخی تواتر این روایت را نپذیرفته اند (ر.ک: هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۴۳۷)

۴. احکام لزومیه عبارت است از وجوب و حرمت و احکام ترخیصیه حکمی است که متضمن الزام و وجوب و حرمت

نباشد. (ر.ک: واعظ الحسینی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۵۳۳)

اما به گمان بسیاری از اصولیان چنین خبری وجود ندارد و تنها صرف فرض است: «ثم إني لم أجد فيما رأيت من أخبار الثقات ما يدل على حجية ما هو أعم من ذلك فلا بد من التبع والتأمل» (حكيم، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۳۳ و نیز ر.ک: خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۱۱؛ ایروانی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۷۷) بر فرض این که درباره حجیت خبر واحد چنین روایتی وجود داشته باشد منحصر به این بحث بوده و در سایر موارد چنین وضعیتی قابل تحقق نیست.

تواتر اجمالی ادعایی آخوند خراسانی درباره روایات مربوط به حجیت خبر واحد در نمودار زیر قابل تصویر است:

خبرهای متعدد درباره حجیت خبر واحد ← برداشت (اخص دلالة) قدر مشترک از این خبرها = حجیت خبری که واجد تمام خصوصیات باشد (خبر فقیه امامی عادل بدون واسطه) ← دلالت خبر فقیه امامی عادل بدون واسطه بر حجیت خبر ثقه مطلقاً (نتیجه تواتر اجمالی = حجیت خبر مطلقاً "خبر ثقه‌ی فاقد سایر خصوصیات")

ج) در بسیاری از مواردی که ادعای تواتر اجمالی شده است هر چند روایت‌های نسبتاً زیادی درباره آنها وجود دارد اما به دشواری به حدی می‌رسند که از کثرت آنها علم به صدور آنها حاصل شود بویژه در مواردی که داعی بر دروغ‌گویی وجود داشته است. طبق جستجو و استقراء صورت گرفته در مورد بیش از ۵۰ مطلب در احکام فقهی و قواعد اصولی تصریح به تواتر اجمالی شده است.

برخی از مواردی که درباره آنها ادعای تواتر اجمالی شده است عبارتند از: احادیث رؤیت هلال (ر.ک: خوئی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۶۵؛ فیاض، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۲۴؛ جزایری، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۲۱۱)؛ روایات «من بلغ» (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۳۳۰)؛ روایات مربوط به ولایت فقیه (ر.ک: خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۰۴)؛ روایات بلوغ دختر در نه سال (ر.ک: سبحانی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۸۰)؛ احادیث مشروعیت قرعه (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۲۳۰)؛ روایات جواز تقلید (خوئی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶۹).

حتی اگر در همه این موارد از نظر فراوانی روایات، ایرادی وجود نداشته باشد مشخص نیست بر پایه کدام تعریف، ادعای تواتر اجمالی شده است. همانطور که پیش از این گفته شد همه تعریف‌های تواتر اجمالی دارای ایراد است بویژه اینکه اگر در بحث

حجیت خبر واحد بر پایه یک فرض (روایت دارای تمام خصوصیات "اخص دلالة"، دلالت بر حجیت خبر واحد به طور مطلق کند) می توان از تواتر اجمالی استفاده کرد، همانطور که در نمودار فوق نشان داده شد، هر چند این صرف فرض است و واقعیت خارجی ندارد، در سایر مواردی که ادعای تواتر اجمالی شده حتی قابل تصور هم نیست تا چه رسد به تحقق خارجی آن.

نتیجه گیری

از سه تعریف ارائه شده برای تواتر اجمالی، تعریف سوم (اختلاف در لفظ و معنا و هماهنگی در قدر مشترک) بهتر از دیگر تعریف هاست. بنا بر این تواتر عبارت است از: روایات زیادی که در لفظ و معنی با هم اختلاف دارند و دلالت آن‌ها هم از جهت وسعت و ضیق متفاوت است اما علم اجمالی داریم که برخی از این الفاظ از معصوم صادر شده است.

بر پایه این تعریف از تواتر اجمالی، خبرها در هیچ کدام از این دو قسم دلالت (تضمنی و التزامی) اشتراک ندارند هرچند در برخی لوازم دارای اشتراک هستند اما از آنجا که این لازم، جزو لوازم بعیده هستند به حد دلالت التزامی نمی رسد. آخوند خراسانی که خود مبتکر این اصطلاح است همین تعریف را قبول دارد با این قید که اگر روایتی که در دلالت از همه اخص است دلالت بر حجیت خبر واحد مطلقاً کند تبعاً می تواند دلیل بر حجیت خبر واحد قرار گیرد.

البته این تعریف هم همچون دو تعریف پیش از آن، دارای اشکال است. بنابر تعریف اول، تفاوت آن با تواتر معنوی روشن نیست. بنابر تعریف دوم، برخی از ایرادهای آن عبارتند از:

الف) علم به صدور یک روایت از معصوم جای تردید جدی دارد.

ب) عنوان تواتر بر آن ابهام دارد.

ج) علم اجمالی به صدور یک روایت که نه اصل آن مشخص است و نه محتوای آن تعیین شده و نه از میزان دلالت آن خبر داریم، چه اثری می تواند داشته باشد؟

برخی از اشکالات تعریف سوّم عبارتند از: الف) تفاوت ماهوی بین تواتر اجمالی با تواتر معنوی وجود ندارد. ب) نوعاً تردیدی در دلالت اخص وجود ندارد. قدر متیقن و قدر مشترک به دلیل دیگری مانند سیره عقلاء، حدیث صحیح محفوظ به قرائن و ... قابل اثبات است.

نتیجه آن که به صرف اثبات تواتر اجمالی نمی توان به آن اکتفا نمود و لذا باید به دنبال دلیل دیگری برای اثبات قدر متیقن بود و وجود روایتی که دارای همه خصوصیات و اثبات قدر متیقن باشد (برای نمونه روایت فقیه امامی تقه بدون واسطه که دلالت بر اعتبار خبر تقه به طور مطلق کند) صرف فرض است.

منابع

- **قرآن کریم.**
- آخوند خراسانی، محمد کاظم، (۱۴۱۰)، **دررالفوائد فی الحاشیه علی الفرائد**، اول، تهران، موسسه الطبع و النشر التابعه لوزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی.
- _____، (۱۴۰۹ق)، **کفایه الاصول**، اول، قم، موسسه آل البیت.
- آشتیانی، محمد حسن بن جعفر، (۱۳۸۸ش)، **بحرالفوائد فی شرح الفرائد**، اول، قم، ذوی القربی.
- آمدی، علی بن محمد، (۲۰۰۸م)، **الإحکام فی اصول الأحکام**، قاهره، مؤسسه الحلبي.
- ابن بابویه، أبی جعفر محمد بن علی (۱۴۰۴ق)، **من لا یحضره الفقیه**، تصحیح و تعلیق: علی أكبر غفاری، دوّم، منشورات جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه.
- ابن حجر العسقلانی، أحمد بن علی، (۱۴۳۲ق)، **نزهة النظر فی توضیح نخبه الفكر فی مصطلح أهل الأثر**، تحقیق: نورالدین عتر، پاکستان، مکتبه البشری.
- ابن صلاح شهرزوری، عثمان بن عبدالرحمن، (۱۴۰۶ق)، **علوم الحدیث**، تحقیق: نورالدین عتر، دمشق، دارالفکر.
- ابن فارس، أبی الحسن أحمد، (۱۴۰۴ق)، **معجم مقانیس اللغة**، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، مکتب الاعلام الإسلامی.

- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، (۱۴۰۸ق)، **غریب الحدیث**، تحقیق: عبدالله الجبوری، اول، قم، دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۵ق)، **لسان العرب**، قم، نشر ادب الحوزة.
- ابوزهو، محمد (۱۳۷۸ق)، **الحدیث و المحدثون او عنایة الامة الاسلامیه بالسنه النبویه**، اول، مصر، شرکه مساهمه مصریه.
- أنصاری، مرتضی بن محمدآمین (۱۴۱۴ق)، **رسائل فقهیه**، اول، قم، مؤسسه الکلام.
- _____، (۱۴۱۹ق)، **فرائد الأصول**، اول، قم، مجمع الفکر الإسلامی.
- ایروانی، علی (۱۳۷۰ش)، **نهایه النهایه فی شرح الکفایه**، اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزة علمیه قم.
- ایروانی، محمدباقر (۲۰۰۷م)، **الحلقه الثالثه فی اسلوبها الثانی**، اول، تهران، قلم.
- بجنوردی، حسن (بی تا)، **منتهی الأصول**، دوّم، قم، کتابفروشی بصیرتی.
- بجنوردی، سیدمحمد بن حسن موسوی (۱۴۰۱ق)، **قواعد فقهیه**، سوّم، تهران، مؤسسه عروج.
- بحرانی، محمد صنفور علی (۱۴۲۶ق)، **المعجم الاصولی**، دوّم، منشورات نقش.
- بحرانی، یوسف (بی تا)، **الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة**، اول، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- بخاری، أبی عبدالله محمد بن إسماعیل (۱۴۰۱ق)، **صحیح البخاری**، بیروت، دارالفکر.
- بروجردی، سید علی (۱۴۱۰ق)، **طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال**، تحقیق: مهدی رجائی، اول، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- پاکتچی، احمد (۱۳۷۲ش)، **دایرة المعارف بزرگ اسلامی**، تهران، بنیاد دایرةالمعارف.
- تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۶ق)، **تنقیح مبانی العروة (کتاب الطهارة)**، اول، قم، دارالصدیقه الشهیده.
- تهانوی، محمدعلی (۱۹۹۶م)، **کشاف اصطلاحات الفنون**، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون.
- جلالی مازندرانی، محمود (۱۴۱۴ق)، **المحصول فی علم الأصول**، اول، قم، مؤسسه امام صادق.
- جمعی از محققان (۱۳۸۹ش)، **فرهنگ نامه اصول فقه**، اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

- جواهرى، محمدتقى (۱۴۲۸ق)، **غايه المأمول**، اول، قم، مجمع الفكر الإسلامى.
- جوهرى، اسماعيل بن حماد (۱۴۰۷ق)، **تاج اللغة و صحاح العربيه**، تحقيق: أحمد عبدالغفور عطار، چهارم، بيروت، دارالعلم للملایین.
- حائرى اصفهانى، محمد حسين بن عبدالرحيم (۱۴۰۴ق)، **الفصول الغرويه فى الأصول الفقهيّه**، اول، قم، دار إحياء العلوم الإسلاميه.
- حر عاملى، محمد بن حسن (بى تا)، **وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة**، تصحيح: عبدالرحيم ربانى شيرازى، بيروت، دار إحياء التراث العربى.
- حسینی فیروزآبادی، مرتضى (۱۴۰۰ق)، **عنايه الأصول فى شرح كفايه الاصول**، چهارم، قم، كتاب فروشى فیروزآبادی.
- حكيم، سيد محسن (۱۳۷۲ش)، **حقائق الاصول**، قم، مکتبه بصيرتى.
- حلى، حسين (۱۴۳۲ق)، **اصول الفقه**، اول، قم، مکتبه الفقه و الاصول المختصه.
- خطيب بغدادى، أحمد بن على (۱۳۹۰ق)، **الكفايه فى علم الروايه**، سوم، حيدرآباد دکن، مطبعة دائرة المعارف العثمانيه.
- خمينى، روح الله (۱۴۱۵ق)، **أنوار الهدايه فى التعليقه على الكفايه**، دوم، تهران، موسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى.
- _____، (۱۳۸۵ق)، **الرسائل، تعليقات**، مجتبى طهرانى، قم، اسماعيليان.
- _____، (۱۴۱۰ق)، **المكاسب المحرمه**، سوم، قم، موسسه اسماعيليان.
- خوئى، سيد أبو القاسم (۱۴۱۰ق)، **التنقيح فى شرح العروة الوثقى**، سوم، قم، دارالهادى.
- _____، (۱۳۶۴ش)، **المستند فى شرح العروة الوثقى**، مقرر: مرتضى بروجردى، قم، لطفى.
- _____، (۱۴۱۷ق)، **مصباح الاصول**، تقرير: محمد سرور واعظ الحسينى، پنجم، قم، مکتبه الداورى.
- ذهنى تهرانى، سيد محمد جواد (۱۳۷۱ش)، **المباحث الاصوليه**، اول، قم.
- راغب اصفهانى، أبى القاسم حسين بن محمد (۱۴۰۴ق)، **مفردات غريب القرآن**، دوم، دفتر نشر الكتاب.
- رحمانى، محمد (۱۳۷۶ق)، **بحثهاى مقارن در علم الحديث (خبر متواتر)**، فصلنامه علوم حديث، دانشكده قرآن و حديث، شماره ۵.

- روحانی، محمد (۱۴۱۳ق)، **منتقى الاصول**، اول، قم، دفتر آیت الله سید محمد حسینی روحانی.
- روحانی، محمدصادق (۱۴۱۲ق)، **زبدۀ الاصول**، اول، قم، مدرسه الامام الصادق.
- زهير، محمد ابوالنور (بی تا)، **اصول الفقه**، المكتبة الأزهرية للتراث.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۴ق)، **اصول الحدیث و أحكامه فی علم الدراية**، قم، مؤسسه الإمام الصادق.
- _____، (۱۴۱۸ق)، **البلوغ حقیقته، علاماته و أحكامه**، قم، مؤسسه الامام الصادق.
- _____، (۱۳۸۲ش)، **تهذیب الاصول**، اول، قم، دارالفکر.
- سید مرتضی، علی بن حسین (۱۴۰۵ق)، **رسائل المرتضی**، تحقیق: سید احمد حسینی، قم، مطبعة الخيام.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۰۸ق)، **الرعاية فی علم الدراية**، تحقیق: عبدالحسین محمدعلی بقال، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي العامة.
- شیخ بهایی، محمد بن حسین (۱۳۹۰ق)، **الوجیزة فی علم الدراية**، اول، قم، نشر بصیرتی.
- شیخ طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن (۱۳۶۵ش)، **تهذیب الأحكام**، تحقیق و تعلیق: سید حسن موسوی خراسان، چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- _____، (۱۴۱۱ق)، **الغیبه**، اول، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، **أوائل المقالات**، قم، المؤتمر العالمي لالفیه الشیخ المفید.
- صبحی صالح (۱۳۹۱ق)، **علوم الحدیث و مصطلحه عرض و دراسه**، بیروت، دارالعلم للملایین.
- صدر، محمدباقر (۱۴۱۸ق)، **دروس فی علم الاصول**، پنجم، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- صدر، سید حسن (بی تا)، **نهاية الدراية فی شرح الرسالة الموسومة بالوجیزه للبهائي**، تحقیق: ماجد غرباوی، قم، نشر المشعر.
- طباطبایی، سید محمدحسین (بی تا)، **حاشیه کفایه الاصول**، اول، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- طریحی فخرالدین (۱۴۰۸ق)، **مجمع البحرين**، تحقیق: سید احمد حسینی، دوم، مکتب النشر الثقافه الإسلامیة.

- طوسى، نصيرالدين (١٣٦٧ش)، **أساس الإقتباس**، تصحيح: محمد تقى مدرس رضوى، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- عاملى، حسن بن زين الدين (بى تا)، **معالم الدين و ملاذ المجتهدين**، نهم، قم، مؤسسه النشر الإسلامى.
- عتر، نورالدين (١٤١٨ق)، **منهج النقد فى علوم الحديث**، بيروت، دارالفكر.
- عجاج خطيب، محمد (١٤٠٩ق)، **أصول الحديث علومه و مصطلحه**، بيروت، دارالفكر.
- _____ (١٤٠٨ق)، **السنه قبل التدوين**، دوّم، قاهره، مكتبه وهبه.
- عراقى، ضياء الدين (١٣٦٢ش)، **نهاية الأفكار**، قم، مؤسسه النشر الإسلامى.
- علامه حلى، حسن بن يوسف (١٣٧١ش)، **الجواهر النضيد فى شرح منطق التجريد**، مصحح: محسن بيدارفر، پنجم، قم، انتشارات بيدار.
- فاضل لنكرانى، محمد (١٣٨٥ش)، **إيضاح الكفايه**، پنجم، قم، نوح.
- فضلى، عبدالهادى (بى تا)، **اصول الحديث**، بيروت، مؤسسه ام القرى للتحقيق و النشر.
- فياض، محمد اسحاق (١٤١٩ق)، **منهاج الصالحين**، اول، قم، مكتب سماحه آية الله العظمى الحاج الشيخ محمد اسحاق الفياض.
- فوزى عبدالمطلب، رفعت (١٤٠٠ق)، **توثيق السنه**، اول، مصر، مكتبه الخاتجى.
- قاسمى، جمال الدين محمد بن محمد (١٤٠٧ق)، **قواعد التحديث من فنون مصطلح الحديث**، بيروت، دارالكتب النفائس.
- كلينى، محمد بن يعقوب (١٣٦٧ش)، **الكافى**، تصحيح و تعليق: على أكبر غفارى، تهران، سوّم، دارالكتب الإسلاميه.
- كورانى، على (١٤١١ق)، **معجم أحاديث الإمام المهدي**، قم، اول، مؤسسه المعارف الإسلاميه.
- مامقانى، عبدالله (١٣٨٥ش)، **مقياس الهدايه فى علم الدرايه**، قم، انتشارات دليل ما.
- مجلسى، محمد باقر (١٤٠٣ق)، **بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار**، دوّم، بيروت، مؤسسه الوفاء (دار إحياء التراث العربى).
- محقق حلى، جعفر بن حسن (١٤٠٣ق)، **معارج الاصول**، تحقيق: محمد حسين رضوى، اول، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
- محقق داماد، سيد مصطفى (١٤٠٦ق)، **قواعد فقه**، دوازدهم، تهران، مركز نشر علوم اسلامى.

- مدیر شانه‌چی، کاظم (۱۳۸۴ش)، **درایه الحدیث**، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۷۰ش)، **اصول الفقه**، چهارم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- _____ (۱۴۲۸ق)، **المنطق**، پنجم، قم، موسسه النشر الإسلامی،.
- مکارم شیرازی، ناصر (بی تا)، **دائرة المعارف فقه مقارن**، قم، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب،.
- منتظری، حسینعلی (۱۴۱۵ق)، **نهایة الاصول**، اول، قم، انتشارات القدس،.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۸۸ق)، **المنطق**، سوّم، نجف، مطبعه النعمان،
- مهدوی‌راد، محمد علی (بی تا)، «مدخل پژوهشهای حدیثی»، **دانشنامه جهان اسلام**، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۵۲ش)، **أجودالتقریرات**، اول، قم، مطبعه العرفان،.
- نجفی، محمدحسن بن باقر (بی تا)، **جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام**، تصحیح: عباس قوچانی، تهران، دارالکتب الإسلامیة،.
- واعظ الحسینی، محمدسرور (۱۴۱۷ق)، **مصباح الاصول**، پنجم، قم، مکتبه الداوری،.
- هاشمی شاهرودی، علی (۱۴۱۹ق)، **دراسات فی علم الاصول**، اول، قم، موسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت،.
- هاشمی شاهرودی، محمود (بی تا)، **اضواء و آراء: تعلیقات علی کتابنا «بحوث فی علم الاصول»**، قم، موسسه دایره المعارف الفقه الإسلامی،.
- _____ (۱۴۱۷ق)، **بحوث فی علم الاصول**، سوّم، قم، موسسه دایره المعارف الفقه الإسلامی،.